



بیانات در دیدار مسئولان نظام - 15 / فروردین / 1403

بسم الله الرحمن الرحيم (۱)

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين الهداة المهديين المعصومين سيما بقيّة الله فى الارضين.

خیلی خوش آمدید برادران عزیز، خواهران عزیز، مسئولین محترم، مدیران برجسته‌ی کشور. بنده اولاً تشکر میکنم از بیانات جناب آقای رئیسی، رئیس‌جمهور محترم؛ توضیحات خوبی را ایشان بیان کردند. امیدواریم ان شاء الله خداوند، هم به ایشان اجر بدهد، هم کمک کند، قوت بدهد، توفیق بدهد که ان شاء الله این راه را به همین شکل ادامه بدهند.

من یک جمله در باب ماه رمضان عرض کنم - چند روزی بیشتر باقی نمانده و [باید] قدر بدانیم ماه رمضان را - بعد هم یکی دو مطلب مربوط به مسائل جاری کشور را عرض خواهم کرد.

ماه رمضان به معنای جامع کلمه، ماه مبارکی است. تعبیر «ماه مبارک» یک تعبیر تعارف‌آمیز نیست؛ به معنای واقعی کلمه این ماه، مبارک است؛ یعنی از جوانب مختلف، این ماه قابلیت‌های معنوی درونی انسان را رشد میدهد و ارتقاء میدهد. انسان را، فرد را در جنبه‌ی انسانیت خود و الاهیت خود بالا میبرد. ارتقاء افراد در جامعه به ارتقاء جامعه می‌انجامد؛ تردیدی در این نیست. اینکه گفتیم از جوانب مختلف، یعنی از جانب روزه، از جانب تلاوت قرآن - که در این ماه تأکید شده و مردم تشویق شده‌اند با تضاعف ثواب تلاوت - از ناحیه‌ی تضرع و دعاها و مناجات‌هایی که در این ماه وارد است، از ناحیه‌ی لیلة القدر که یک فرصت فوق‌العاده مهمی است که «خیر من الف شهر»، (۲) و از جهات مختلف. مثلاً از جنبه‌ی روزه؛ روزه‌ی ماه رمضان قدرت خویشتن‌داری انسان را در مقابل خواهشهای نفسانی بالا میبرد؛ این، خیلی چیز مهمی است. خواهشهای نفسانی انسان نهایت‌ناپذیر است، پایان‌ناپذیر است؛ هر چه انسان به این خواهشها پاسخ بدهد، میل و توقع و انتظار نفس انسان بیشتر میشود. یک توان متوقف کردن این خواهشها در انسان باید وجود داشته باشد که روزه این [توان] را به انسان میدهد؛ تمرین تقویت اراده، تقویت روح، مهار کردن خواهشهای تمام‌نشده‌ی نفس. این یک وسیله‌ی ارتقاء.

تلاوت قرآن برای کسانی که تدبّر در قرآن بکنند، به معنای اتصال به دریای بیکران معارف اسلامی است. نیاز همیشگی ما به همین است که بتوانیم معارف الهی را در قلب خودمان تقویت کنیم و سطح معرفت خودمان و بینش خودمان را بالا ببریم. این «إليه يصعد الكلم الطيب»، (۳) یک بخش عمده‌ی این «کلم طیب» همین معارف است که در نفس انسان از قرآن به وجود می‌آید. این دعاهایی که در ماه رمضان وارد است - در سحر ماه رمضان، در شب ماه رمضان، در روزهای ماه رمضان، در ایام بخصوص مثل روز اول ماه رمضان و امثال اینها - دل انسان را مستغرق میکند در یاد خدا؛ [اگر] با توجه انسان با این دعاها مواجه بشود، ذکر را، توجه به خدا را در انسان به صورت مطلوبی ایجاد میکند. «و لذكر الله أكبر»؛ (۴) عمده‌ی خاصیت نماز، بنا بر این تعبیر آیه‌ی شریفه، ذکر الهی است، یاد خدا است که مایه‌ی سعادت، مایه‌ی پیشرفت، مایه‌ی ارتقاء و مایه‌ی دوری از گناه است.



لیلة القدر شب سرنوشت است. در ماه رمضان، انسان میتواند با همراه شدن با آهنگ لیلة القدر در سرنوشت خودش تأثیر بگذارد؛ این چیز کمی نیست، چیز خیلی مهمی است، اگر طلب واقعی وجود داشته باشد؛ که در این شبها آنچه لازم است، حالت طلب است، درد طلب است. و البته لیلة القدر یک استثنا در همه‌ی شبهای سال است؛ بقیه‌ی شبهای ماه رمضان هم کم‌وبیش همین خصوصیت را دارند.

اینها چیزهایی است که هم عقل و ذهن انسان را و هم دل را آباد میکند، معمور میکند و جلا و صیقل میبخشد. اینها وقتی که در فرد به وجود بیاید، تأثیرش را در جامعه میگذارد. هویت جمعی جامعه متأثر از هویت افراد و تأثیرات آنها در جامعه است. وقتی ما توانستیم خودمان را اصلاح بکنیم، تأثیرمان در جامعه هم به همین نسبت بالا میرود؛ تقویت نفس این [جور] است.

خب، اینها جنبه‌های ابتدائی فردی و بالواسطه اجتماعی بود؛ اما غیر از این، ماه رمضان ماه اجتماعی‌ای است، ماه کمک به دیگران است، ماه احسان است، ماه مهربانی است، ماه افطار است؛ که این همه تأکید شده که افطاری بدهید؛ نگفتند هم فقط به مستحقین بدهید. نفس ارتباط، یاری رساندن، همسان شدن، احسان کردن، از خصوصیات ماه رمضان است.

پس ماه رمضان یک فرصت فوق‌العاده‌ای برای ترمیم است. ما در طول سال به جراحتهایی در روح خودمان و در جان خودمان مبتلا میشویم. هر گناهی یک جراحت ایجاد میکند؛ مثل جراحتهای جسم، در روح انسان یک جراحت ایجاد میکند، یک بیماری به وجود می‌آورد؛ ماه رمضان - که ماه استغفار است - ماه ترمیم این جراحتهای سالیانه است. باید بتوانیم ان شاء الله از این ماه با روح سالم خارج بشویم: *ان لم تکن عقرت لنا فیما مضی من شهر رمضان فاغفر لنا فیما بقی منه که ماه استغفار است.*

این مسئله‌ی استغفار و توبه در معارف اسلامی یک حقیقت خیلی مهمی است؛ مخصوص مسائل شخصی هم نیست؛ توبه‌ی در گناه شخصی یک مقوله است، توبه‌ی در گناه اجتماعی هم یک مقوله است. در قرآن [که میفرماید] «فتوبوا الی باریکم فاقبلوا انفسکم»؛ (۵) این گناه اجتماعی است. یعنی گناه اجتماعی که انجام میگیرد، افراد جامعه یا آن کسانی که مؤثر در تولید این گناه هستند و در ایجاد وضعیت مؤثرند، باید استغفار کنند، باید توبه کنند. طبعاً این استغفار و توبه ترمیم میکند دیگر؛ یعنی، هم فرد را ترمیم میکند، هم جامعه را ترمیم میکند. و در هر بخشی هم آن استغفار و بازگشت و توبه، به تناسب خود آن بخش است. ما ممکن است فرضاً در یک مسئله‌ی فرهنگی، یک مسئله‌ی سیاسی، یک حرکت نظامی خطائی کرده باشیم، اشتباهی کرده باشیم - یا از سر غفلت یا گاهی اوقات بر اثر تنبلی، بی‌توجهی، انجام ندادن آنچه بر عهده‌ی ما است و انجامش واجب است - وقتی که یک زخم اجتماعی به این شکل به وجود می‌آید، استغفارش به این است که توبه کنیم، برگردیم و اصلاح کنیم. ببینید در قرآن [میفرماید]: «إلا الذین تابوا و أصلحوا». (۶) در چند جای قرآن بعد از «تابوا»، «و أصلحوا» هست؛ حالا بعد از «أصلحوا» هم یک جا «و بیئوا» (۷) است، یک جا «و اعتصموا» (۸) است؛ یعنی توبه و برگشت بایستی با اصلاح همراه باشد. وقتی کار غلطی انجام گرفت، وقتی برمیگردیم، استغفار میکنیم، از خدای متعال طلب بخشش میکنیم، باید سعی کنیم آثار و تبعات آن خطا را هم برطرف کنیم. مراد هم از خطا، خطای فقهی در مقابل عمد نیست؛ یعنی کار بد، کار غلط؛ مثل خطاهای شخصی؛ فرض بفرمایید غیبت کردن، دروغ گفتن، تهمت زدن یک خطا است؛ وقتی که توبه میکنیم، بایستی جبران کنیم، اصلاح کنیم، اثر آن و تبعه‌ی آن را برطرف کنیم؛ آن تبعاتی که بر این خطای ما مترتب شده باید برطرف کنیم. در مسائل اجتماعی هم عیناً همین جور است.



و آن وقت در قرآن این جور میفرماید: اِسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَ يَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ. (۹) نمیگویید ما کشور قوی می‌خواهیم؟ نمیگویید می‌خواهیم قوی باشیم؟ خیلی خوب، یزدکم قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ : استغفار و توبه، شما را قوی میکند ؛ یعنی برگشت از خطا. خطا موجب تضعیف است، برگشت از خطا موجب تقویت است ؛ یزدکم قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ. در هر موردی همین جور است ؛ هم در مسائل شخصی این جور است، هم در مسائل اجتماعی این جور است. در مسائل شخصی هم روح انسان با استغفار قوی میشود ؛ در مسائل اجتماعی هم جامعه با استغفار قوی میشود. ما مسئولین جامعه هستیم دیگر – شما مدیران کشور هستید – مسائل ما، رفتارهای ما، کارهای ما، گفتارهای ما، موضع‌گیری‌های ما، در وضع کشور اثر میگذارد ؛ اگر خطائی حاصل بشود، راهش همین است ؛ راهش استغفار کردن است.

البته استغفار فقط به زبان گفتن نیست که این معلوم است ؛ یعنی باید این معنا روشن باشد ؛ صرفاً این نیست که ما حالا در شب قدر یا غیر شب قدر یا در نماز شب «اِسْتَغْفِرُ اللَّهُ رَبِّي وَ اَتُوبُ إِلَيْهِ» بگوییم ؛ صرفاً این نیست. بایستی خطا را بشناسیم و بدانیم که خطا کردیم ؛ وقتی ندانیم خطا کردیم، طبعاً استغفار به معنای واقعی، توبه‌ی به معنای واقعی صورت نمیگیرد. خطا را بشناسیم ؛ بنا بگذاریم بر اینکه این، خطا است و تصمیم بگیریم که از این خطا برگردیم و از خطائی که کردیم ناخرسند باشیم ؛ [استغفار] این است ؛ وَاَلَا اِذَا كَانَ لِقَاءُ الْإِنسَانِ لِرَبِّهِمْ كَرِهَتِ الْحَدِيثَ الَّذِي لَقِيَ تَوْبَهُ وَ قَرَأَ مَا تُنذِرُ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ. به قول شاعر:

سُبْحَه بَر كَف، توبه بر لب، دل پُر از شوق گناه

معصیت را خنده می‌آید ز استغفار ما (۱۰)

خب این عرض اوّل ما. به نظرم، ما که مسئولین کشور هستیم، به این توجهات نیاز بیشتری داریم ؛ همه‌ی ما، در هر جایگاهی که هستیم احتیاج داریم توجه کنیم، اشتباه نکنیم، خطا نکنیم، بدانیم که تأثیرات خطای ما با خطای مردم عادی متفاوت است.

آنچه [در مسائل کشور] یادداشت کرده‌ام که عرض بکنم به برادران و خواهران و حضار عزیز، اوّل، مسئله‌ی اقتصاد و شعار سال (۱۱) است. خب، توضیحات خوبی را آقای رئیس‌جمهور بیان کردند و بحمدالله تلاش خیلی خوب و متراکم دارد انجام میگیرد ؛ حقاً و انصافاً انسان این را میبیند و به معنای واقعی کلمه دارد کار میشود. خب در عین حال، نیازها به کار، بیش از اینها است ؛ یعنی خیلی باید کار کنیم تا بتوانیم به سطح مطلوب یا لااقل نزدیک به مطلوب برسیم.

واقعیت‌های اقتصاد در کشور، همه یکسان نیستند ؛ هم واقعیت‌های تلخ در اقتصاد کشور وجود دارد، هم واقعیت‌های شیرین. بخش تلخ مربوط به اقتصاد، گرانی‌ها است، بی‌ثباتی بازار است، تنزل ارزش پول ملی است، فاصله‌ی طبقاتی است ؛ خب اینها بخش‌های تلخ مسئله است.

بخش شیرین مربوط به اقتصاد، فعالیت‌های وسیع زیرساختی است که دارد انجام میگیرد که نتایج اینها در میان‌مدت و نه چندان درازمدت ظاهر خواهد شد ؛ [مثل] راه‌اندازی تعداد قابل توجهی از بنگاه‌های نیمه‌تعطیل یا تعطیل، تحقق تولید، تحقق اشتغال ؛ آن جوری که به بنده گزارش دادند، شاید بیش از هشت هزار واحد و بنگاه تولیدی که یا تعطیل بوده یا نیمه‌تعطیل بوده، راه‌اندازی شده ؛ اینها واقعیت‌های شیرین است. وجود هزاران مجموعه‌ی جوان در قالب شرکتهای دانش‌بنیان ؛ این خیلی پدیده‌ی مطلوبی است که افزایش پیدا کرده ؛ یعنی هزاران مجموعه‌ی جوان،



با انگیزه، باشوق، با صلابت، با امید دارند در این مجموعه‌های دانش‌بنیان کار میکنند، تلاش میکنند؛ هم محصولات جدید ارائه میکنند، هم خدمات جدید ارائه میکنند؛ واقعیت‌های شیرین اقتصاد، اینها است. اینها تأثیرات خودش را بتدریج بر وضع کشور میگذارد.

شکل‌گیری بنگاه‌های توانا در بخش مردمی و بخش خصوصی که یک نمونه‌اش را ما در این نمایشگاهی که در بهمن ماه گذشته اینجا نشان دادند، مشاهده کردیم. (۱۲) انصافاً بنگاه‌های قوی، کارآمد و با ابتکاری شکل‌گیری شده که تأثیرات اینها در پیشرفت تولید کشور و رشد تولید ناخالص کشور [مهم است] و طبعاً اینها بتدریج در زندگی مردم اثر میگذارد که بعد البته من یک توضیحی در این زمینه عرض میکنم. اینها واقعیت‌های شیرین است. البته همان‌طور که عرض کردیم، انتظار بیش از اینها است و ان‌شاءالله دولت کنونی میتواند بسیاری از این گره‌ها را باز کند، با تلاشی که میکنند.

یک نکته‌ای که در امر اقتصاد همیشه باید مورد نظر مسئولین باشد، این است که انتظار مردم آن است که تصمیم‌ها و اقدام‌هایی که مسئولین کشور در مسائل اقتصادی انجام میدهند، در زندگی آنها اثر محسوس و ملموس داشته باشد؛ این انتظار مردم است. کاری کنیم که این انتظار برآورده بشود؛ انتظار به جایی هم هست. اینکه میگوییم «انتظار به جایی است» به خاطر همین نکته‌ای است که آقای رئیس‌جمهور هم اشاره کردند: «ظرفیتهای فوق‌العاده‌ی کشور» که من چند مورد را یادداشت کرده‌ام و طبق آمارهایی که به بنده داده‌اند، به نظر من قابل توجه است؛ هم ظرفیتهای طبیعی، هم ظرفیتهای نیروی انسانی.

در ظرفیتهای طبیعی، خب جمعیت کشور ما تقریباً یک‌صدم جمعیت همه‌ی دنیا است، منتها سهم ما و کشور ما از منابع طبیعی حدود هفت درصد موجودی دنیا است؛ یعنی منابع طبیعی ما نسبت به جمعیت‌مان در مجموع دنیا، هفت برابر بیشتر است؛ این خیلی فرصت مهمی است؛ به غیر از نفت و گاز – که یکی از قلم‌های مهم منابع طبیعی ما نفت و گاز است، اما منحصر به نفت و گاز نیست – ۶۴ نوع ماده‌ی معدنی مثل مس و سرب و روی و زغال‌سنگ و امثال اینها در کشور وجود دارد که مورد استفاده است و منابعش هم منابع غنی‌ای است و خیلی زیاد است. حالا گاهی اوقات گزارشهای جالب و برجسته‌ای هم در مورد بعضی از منابع به ما میرسد که خب مسئولین مختلف کشور روی آنها کار میکنند.

در زمینه‌ی مسائل کشاورزی، آن‌طور که به بنده گزارش داده‌اند، حدود ۳۷ میلیون هکتار اراضی قابل کشاورزی در کشور هست. ۳۷ میلیون هکتار اراضی قابل کشاورزی خیلی است! گاهی گفته میشود که آب در کشور کم است؛ راست است، ما کشور پُرآبی نیستیم، اما شیوه‌هایی وجود دارد – که این شیوه‌ها تجربه شده – که میتوان با همین آب موجود، همه‌ی این امکانات کشاورزی کشور را تأمین کرد، آبیاری کرد و کشاورزی را واقعاً رونق داد، رشد داد، پیش برد. مسئله‌ی کشاورزی هم در کشور خیلی مهم است.

همین حالا هم ما در تولید بعضی از محصولات، در دنیا در درجه‌های بالا و اوّل قرار داریم – در تولید سیمان، در تولید فولاد – در حالی که این‌همه هم سختگیری جهانی هست، این تحریم‌ها و این محدودیتهای و مانند اینها وجود دارد. با این محدودیتهای، آنهایی که کشور را مورد تحریم قرار داده‌اند انتظار داشتند که تولید کشور یا بخوابد یا شبیه خوابیدن اتفاق بیفتد. این جور نشده؛ امروز تولید فولاد ما در سطح بسیار بالا است، رتبه‌ی زیر ده است، سیمان



همین‌جور، بعضی از محصولات صنعتی دیگر هم همین‌جور. اینها مربوط به ظرفیتهای طبیعی کشور است که خیلی زیاد است.

به نظر بنده ظرفیتهای انسانی از این هم مهم‌تر است؛ یعنی ما از لحاظ ظرفیت انسانی [وضع خوبی داریم]. یک قلم، استعداد عمومی ملت ایران است که بنده این را مکرر گفته‌ام و این متکی است به اسناد معتبر: متوسط هوش ایرانی، از متوسط هوش جهان بسیار بالاتر است؛ استعداد جوانهای ما، توانایی‌های ما بالا است. همین هم هست که حالا دنیا را در موارد متعددی - مثلاً در تولیدات نظامی - شگفت‌زده میکند که اینها با اینکه این‌همه گرفتاری دارند، فرض بفرمایید که این تحریم هست، این محدودیت هست، میتوانند یک چنین محصولات دفاعی را - حالا مثلاً فرض کنید در زمینه‌ی دفاعی که دنیا روی آن حساس است - تولید کنند. یک قلم، همین متوسط بالای هوش انسانی است. ۳۶ میلیون جوان در میانه‌ی سنین ۱۵ سال تا ۴۰ سال در کشور وجود دارد که نعمت بزرگی است؛ مشروط بر اینکه از این فرصت امکان حفظ تعداد جوان غفلت نکنیم؛ که البته در سالهای گذشته یک مقداری غفلت کردیم. نباید غفلت کنیم، نباید بگذاریم جمعیت کشور پیر بشود؛ [باید] سطح حضور جوانها را که پیش‌رانند، منشأ حرکتند، در کشور حفظ کنیم. ۱۴ میلیون افراد دارای تحصیلات عالی در کشور هست؛ بیش از ۱۰۰ هزار عضو هیئت علمی هست؛ اول انقلاب، حدود ۵ هزار بود. اوایل انقلاب افراد هیئت علمی در دانشگاه‌های کشور آن قدر [بود]؛ الان بیش از ۱۰۰ هزارند. بیش از ۱۵۰ هزار پزشک متخصص، بیش از ۳ میلیون دانشجوی در حال تحصیل؛ این غیر از طلاب و فضیلهای حوزه‌های علمیه است که آن هم یک داستان مفصلی است؛ فضیلهای جوانی که انسان گاهی آثار آنها را میبیند، واقعاً خدا را شکر میکند؛ در بخشهایی، در رشته‌هایی دارند فکر میکنند، دارند کار میکنند. خب اینها نیروی انسانی است دیگر. حالا این ظرفیتهای طبیعی و ظرفیتهای انسانی.

ظرفیتهای جغرافیایی؛ این موقعیت جغرافیایی کشور، وضعیت اقلیمی کشور، این تنوع اقلیمی که در کشور وجود دارد، اینها ظرفیتهای مهمی است. بنابراین توقعاتی که در امر اقتصاد گاهی ابراز میشود، توقعات بیجایی نیست؛ ما با این امکانات، وضع اقتصادی‌مان باید خوب بشود.

البته موانعی هست؛ این موانع را باید در نظر داشته باشیم. بعضی از موانع بیرونی است؛ مثل همین تحریمها، تهدیدها، محدودیتهای فراوانی که وجود دارد، سخت‌گیری‌هایی که در کار تجارت ما، در به دست آوردن امکانات لازم برای تولید ما [هست]؛ سخت‌گیری هست دیگر، سخت‌گیری‌های جدی وجود دارد. من یک وقتی گفتم که یک تشکیلات ویژه‌ای ایجاد میکنند برای اینکه مراقبت کند که ایران در کجا میخواهد سرمایه‌گذاری کند، با کجا دارد معامله میکند که بروند جلوی آنها را بگیرند؛ یعنی چند سال است که یک چنین کارهایی دارد انجام میگیرد. این موانع وجود دارد. البته همین موانع را، هم میشود کم کرد، هم میشود کم‌اثر کرد. بعضی از همین موانع، در کنار تأثیرات منفی، تأثیرات مثبت هم داشته.

تولیدکنندگان و کارآفرینان کشور اینجا آمدند، در حسینیّه با بنده ملاقات داشتند، (۱۳) تعدادی - ده پانزده نفر - صحبت کردند؛ بعضی از اینها صریحاً گفتند که اگر چنانچه این تحریم نبود، ما این پیشرفت را نمیتوانستیم به دست بیاوریم؛ این را صریحاً اینجا گفتند؛ چون دستمان از بیرون کوتاه بود، به فکر خودمان، به توانایی‌های خودمان فشار آوردیم، به اینجا رسیدیم؛ یعنی بنابراین گاهی هم همین موانع، اثر مثبت میبخشد و به کشور کمک میکند.



لکن بعضی از موانع هم انصافاً موانع درونی خود ما است؛ کم کاری داریم، مثلاً یک مواردی بی دقتی داریم و کم انگیزگی نشان میدهم؛ گاهی دچار آفتهای شخصی میشویم، [دچار] آفتهای روحی میشویم. مدیر اگر به فکر محبوبیت طلبی باشد، به فکر جلوه کردن در چشم افراد باشد، مسئلهی کار را، اهمیت کار را در نظر نگیرد، خب این ضربه میزند دیگر؛ اینها برکت کار را از بین میبرد. [یا اینکه] به فکر مناصب آینده باشد. امروز در یک منصبی قرار داریم، جوری حرکت کنیم که خودمان را برای یک منصب بالاتر آماده کنیم؛ خب این ضربه میزند. این جور فکر کردن، این جور کار کردن، این جور حرکت کردن، ضربه میزند؛ برکت کار را از بین میبرد؛ اینها هم جزو موانع کاری ما است.

ما باید توجه داشته باشیم به اینکه هر لحظه‌ی کاری که انجام میدهم، اگر چنانچه برای مردم باشد، برای رفاه مردم باشد، برای پیشرفت کشور باشد، این کار، کار الهی است، این نیت، نیت الهی است. اینکه میگوییم نیتتان خدا باشد، یک معنایش همین است که شما نیت کنید که این کار را انجام بدهید تا گره از کار مردم باز بشود؛ این میشود نیت الهی؛ آن وقت خدا به این کار برکت خواهد داد؛ خدا به این کار پاداش خواهد داد. آن پاداشی که خدای متعال میدهد، قابل مقایسه نیست با این سودی که ما حالا مثلاً فرض کنید از یک تظاهری (۱۴) ممکن است ببریم.

خب، یکی از موانع که حالا من یک مقداری، چند نکته‌ی کوتاه را در این زمینه می‌خواهم عرض بکنم که مربوط به شعار سال [هم] هست، مداخله‌های دولتی و حکومتی در مسائل اقتصاد است. این را ما سالها است داریم مطرح میکنیم. امسال بنده مسئله‌ی «مشارکت مردم» را در شعار سال قرار دادم، برای اینکه به امکانات مشارکت مردم بیشتر توجه بشود و مردم در مسائل اقتصاد به معنای واقعی کلمه به عرصه بیایند. مردم یعنی توان مردم؛ توان مالی، توان فکری و ذهنی، توان ابتکاری؛ ابتکارات مردم وارد میدان بشود. ما سود میبریم.

یک تصویری وجود دارد که اگر چنانچه مردم وارد عرصه‌ی اقتصاد بشوند، مدیریتها را به مردم بدهیم، این، دست دولت را میبندد، دست مسئولین دولتی را میبندد؛ این فکر درست نیست. وظایف باید تقسیم بشود بین مسئولین دولتی، مسئولین حکومتی [و مردم]. حالا دولتی که میگوییم، فقط دولت نیست، [بلکه] بخشهای مختلف نیمه دولتی هم مثل دولتند؛ فرقی نمیکند. باید تفکیک قائل بشویم؛ یک وظایفی به عهده‌ی دولت است، یک وظایفی به عهده‌ی مردم است.

یک تعبیری را در یک گزارشی به بنده نوشته بودند، تعبیر بدی نیست: «جنبه‌ی ستادی و جنبه‌ی عملی». دولت در مسائل اقتصادی، ستادی عمل کند؛ هدایت کند؛ در مسئله‌ی آمایش سرزمینی، مسئله‌ی نوع فعالیت اقتصادی که باید هر جا انجام بگیرد، نظارت کند، مراقبت کند که تخلفی به وجود نیاید. عامل هم مردم [باشند]. مردم هم عمل اقتصادی را انجام بدهند؛ یعنی تفکیک بین وظایف دولت و وظایف مردم. راه ورود مردم در عرصه‌های اقتصادی بایستی باز بشود؛ این، کشور را نیرومند میکند، اقتصاد را باثبات میکند. البته سیاستهای اصل ۴۴ بخشی از این قضیه است، که سالها پیش این سیاستها ابلاغ شده (۱۵) و این سیاستها مستفاد از خود قانون اساسی است. تصویری نشود که این، نقض قانون اساسی است؛ نه، این سیاستها از خود قانون اساسی استفاده شده و ابلاغ شده. خب باید عمل بشود؛ در گذشته، ضعفهای زیادی در این زمینه وجود داشته.

یک نکته این است که صاحب نظران اقتصادی میگویند رشد [اقتصادی] هشت درصد امکان پذیر است، که در



سیاست‌های برنامه‌ی هفتم (۱۶) هم رشد هشت درصد آمده است. بعضی استبعاد میکنند که آیا این امکان‌پذیر است یا نه ؛ صاحب‌نظران اقتصادی میگویند رشد هشت درصد میتواند [محقق شود] و اگر این رشد استمرار پیدا کند - نه اینکه یک سال رشدی پیدا بشود، بعد تنزل پیدا کند - قطعاً در وضع زندگی مردم یک گشایش مطلوب و خوبی حاصل خواهد شد. البته رشد اقتصادی به‌تنهایی هم کافی نیست ؛ یعنی برای اینکه در وضع زندگی مردم و معیشت مردم و طبقات ضعیف یک تحوّل صورت بگیرد، صرفاً رشد اقتصادی کافی نیست، بلکه چیزهای دیگری هم لازم است: برابری فرصتها برای دستیابی به امکانات ؛ این از جمله‌ی کارهای بسیار مهم است ؛ برای مشارکت، امکانات در سطوح مختلف به نحو صحیح و عادلانه‌ای تقسیم بشود. اینها البته کارهای آسانی هم نیست، کارهای دشواری است ؛ [باید] آموزش داده بشود، مهارت داده بشود. بسیاری از جوانهای ما مایلند کار کنند، و به مهارت نیاز دارند. یک بخشی باید برای مهارت‌افزایی جوانان وجود داشته باشد که البته مدیران ارشد میتوانند برنامه‌ریزی کنند، در این زمینه‌ها کار کنند، کار انجام بگیرد.

و راه‌های مشارکت باید به مردم نشان داده بشود. ما میگوییم «مردم در اقتصاد مشارکت کنند» ؛ خوب چه جوری مشارکت کنند؟ راه‌های مشارکت [نشان داده بشود]. کسانی بنشینند شیوه‌های ممکن برای مشارکت قشرهای مختلف مردم را نشان بدهند که حالا یک نمونه‌اش همین شرکتهای دانش‌بنیان است که برای بخشی از جوانها این یک راهی برای مشارکت اقتصادی است. کسانی میتوانند بنشینند فکر کنند. به نظر من، دولت و مجلس نیاز دارند به یک گروه زبده‌ی صاحب فکر و صاحب اندیشه که بنشینند اندیشه‌ورزی کنند، راه‌های مختلف مشارکت مردم را به مردم نشان بدهند. کارهای مشکلی است، اما کاملاً عملی است که بتوانند حتی با سرمایه‌های اندک وارد میدان مشارکت بشوند.

یک نکته مربوط به برنامه‌ی هفتم است. خوب شش برنامه‌ی پنج‌ساله تا حالا گذشته ؛ یعنی شش برنامه‌ی پنج سال گذشته که یکی از آنها (۱۷) تمدید هم شد. حالا امسال سال اول برنامه‌ی هفتم است ؛ بنده توصیه‌ی مؤکد میکنم که روی این برنامه توجه بشود، دقت بشود و به برنامه عمل بشود.

آن‌طور که به بنده گزارش دادند، متوسط عملکرد برنامه‌های گذشته، حدود ۳۵ درصد است ؛ یعنی با زحمت زیاد برنامه تهیه شده و به قانون تبدیل شده، ابلاغ هم شده، [ولی] در طول سالهای گذشته برنامه‌ها به صورت کامل عمل نشده ؛ خوب این برای کشور خسارت است. تلاش بشود که برنامه به صورت کامل عملیاتی بشود. خوشبختانه دولت، دولت فعالی است ؛ یعنی دوستان در دولت واقعاً مشغولند، کار میکنند، فکر میکنند، تلاش میکنند ؛ کاری کنند که این برنامه بتواند عملیاتی بشود. برنامه، راهنمای عمل است ؛ یک راهنمای عمل خوب و چهارچوب خوبی است برای عمل کردن ؛ نه فقط برای اقتصاد، [بلکه] برای همه‌ی بخشها این برنامه، برنامه‌ی عمل است.

یک نکته‌ی مهم، مسئله‌ی زمان است. برادران عزیز، خواهران عزیز، مدیران بخشهای مختلف! زمان به سرعت میگذرد، عبور میکنند و از دست میرود ؛ از زمان غفلت نکنید. کار امروز به فردا نیفتد ؛ یک روز هم مهم است، گاهی یک ساعت هم مهم است. در خرج کردن این سرمایه‌ی عظیم که اسمش سرمایه‌ی زمان است، باید خیلی حساسیت به خرج داد ؛ نگذارید زمان بگذرد. کارهای گوناگون، برنامه‌های مختلف بخشهای مختلف را وقتی تصویب میکنید، زمان‌بندی کنید، و روی این زمان‌بندی‌ها ایستادگی کنید که فلان برنامه باید تا فلان تاریخ حتماً به سرانجام برسد ؛ یعنی روی زمان این جور حساسیت و وسواس داشته باشید.



البته این را هم عرض بکنیم که در مسئله‌ی اقتصاد، عنصر دیپلماسی و عملکرد سیاست خارجی خیلی مهم و مؤثر است؛ ما در پیرامون کشورمان همسایه‌های متعددی داریم و در تعدادی از پیمانهای جهانی سهامیم، شریکیم و میتوانیم از اینها استفاده کنیم؛ یک تحرک فوق‌العاده‌ی دیپلماتیک در زمینه‌ی مسائل اقتصادی لازم است. عرایض ما راجع به مسائل اقتصاد همین بود که تمام شد.

یک مطلب دیگری را من میخواهم مطرح کنم و آن چالش تحمیلی مسئله‌ی «حجاب» در کشور است. مسئله‌ی حجاب تبدیل شده به یک چالش و بر کشور ما تحمیل شده؛ این را تحمیل کردند. کسانی نشستند نقشه کشیدند، برنامه‌ریزی کردند که حجاب بشود یک مسئله در کشور ما؛ در حالی که چنین مسئله‌ای در کشور وجود نداشت؛ مردم با شکلهای مختلف داشتند زندگی میکردند. بنده نظر قاطع خودم را در این مورد عرض میکنم: هم از دیدگاه فقهی و شرعی باید به مسئله نگاه کرد، هم از دیدگاه قانونی، هم از لحاظ بعضی از مسائل جانبی و ملاحظات جانبی‌ای که وجود دارد. خب از لحاظ شرعی، حجاب یک حکم مسلم شرعی است؛ یعنی برای بانوان، پوشاندن غیر از صورت و دو دست – وجه و کفین – واجب است؛ این چیزی است که از آن صرف نظر نمیشود کرد. مردم ما مسلمانند، مقیدند، متعبدند، بانوان ما متعبدند، باید رعایت کنند این را؛ حکم شرع است. یک نگاه، نگاه قانونی است؛ قانون واجب‌الاطاعه است و در این زمینه، حکم قانونی وجود دارد؛ رعایت حکم قانون برای همه واجب است. چه آن کسانی که به شرع معتقدند، چه حتی آن کسانی که به شرع هم معتقد نیستند، قانون را بایستی رعایت کنند.

در مسائل جانبی و ملاحظات جانبی، یک مسئله، مسئله‌سازی بیگانگان است. در این قضیه‌ای که امروز در کشور مطرح است – مسئله‌ی حجاب – دخالت بیگانگان واضح بود، آشکار بود. از بیرون، در این دستگاه‌های ارتباط جمعی و انواع و اقسام رسانه‌ها، در این قضیه دمیده شد. حالا یک عده هم در داخل البته کمک کردند، اما عمده، از بیرون این کار هدایت شد و فکر شد و دنبال شد؛ به این توجه بشود. خود بانوان ما، خود زنان عاقل و فهمیده‌ی ما به این نکته توجه کنند که این قضیه را دشمن دارد از بیرون دنبال میکند. طبق آنچه در گزارشهای قابل اعتماد به ما رسید، بعضی‌ها را استخدام کردند که بیایند در جامعه هنجارشکنی کنند، حرمت حجاب را بشکنند. خب باید بانوان ما و کسانی که در این قضیه فکر میکنند، حرف میزنند، به این نکات توجه کنند. وقتی ما می‌بینیم دست بیگانه در قضیه‌ای دارد عمل میکند، خب باید مواضعمان را متناسب با همین قرار بدهیم که به آن بیگانه کمک نکنیم.

یک مسئله از این ملاحظات جانبی این است که امروز روی مسئله‌ی برداشتن حجاب بانوان تلاش میکنند، اما این اول کار است، این آخر کار نیست؛ هدف این نیست. هدف دشمنان این است که وضع کشور را به وضعیتی قبل از انقلاب، به وضعیتی دوران طاغوت برگردانند؛ آن وضع فضاحت‌باری که آن روز وجود داشت. حالا بعضی از شماها شاید دیده بودید، یادتان هست، خیلی از شماها ندیدید آن وضعیتی را. به معنای واقعی کلمه، وضع زن، رفتار زن، برخورد زن، حضور زن در جامعه وضع فضاحت‌باری بود. امروز از لحاظ علمی، از لحاظ قوت مدیریتی، از لحاظ حضور در مناطق حساس اداره‌ی کشور، در سطح کشور، در سطح جهان، زنان ما به مراتب بالایی رسیده‌اند، از خیلی از زنهای کشورهای دیگر جلوترند؛ با حجاب، با رعایت حجاب. آن روز این نبود؛ سطح سواد زنان، سطح علمی زنان، سطح مدیریت زنان این جور نبود؛ از آن جهت ضعیف بودند، اما از لحاظ وضع پوشش و مسئله‌ی هنجارهای [اجتماعی]، وضع خیلی بدی داشتند؛ واقعاً مفتضح بود. قصد اینها این است که آن حالت را بتدریج تکرار کنند. این اول کار است؛ به این باید توجه کرد.



یکی از مسائل جانبی قضیه این است که عرض کردم که بنده اطمینان دارم که بانوان کشورمان، حتی کسانی که یک مقداری هم در زمینه‌ی حجاب سهل‌انگاری‌هایی دارند، اینها دلبسته‌ی اسلامند، دلبسته‌ی نظامند؛ بارها هم این را ما گفته‌ایم. به این چشم بایستی به زنهای ما نگاه کرد. اما خب این قضیه‌ی حجاب را بایستی رعایت نکنند؛ همه باید رعایت کنند.

بنده معتقدم در دولت، در قوه‌ی قضائیه، در بخشهای مختلف، در این زمینه مسئولیت وجود دارد که بایستی به مسئولیتهای قانونی و شرعی خودشان عمل کنند. خود بانوان ما بیش از همه در این زمینه مسئولیت دارند؛ و رعایت کنند جنبه‌ی حجاب اسلامی را. این هم یک مسئله.

مسئله‌ی آخر مسئله‌ی غزه است. مسئله‌ی غزه جزو مسائلی است که نباید اجازه داده بشود که این مسئله از اولویت افکار عمومی مردم دنیا کنار برود. قضیه خیلی قضیه‌ی مهمی است! جنایتی که در غزه دارد انجام میگیرد - تا آنجایی که ما در تاریخ دوره‌های اواخر سراغ داریم؛ حالا آن گذشته‌های دور را درست نمیدانم - بی‌سابقه است؛ این جور جنایت کردن، این جور کشتار دسته‌جمعی، نسل‌کشی، حمله‌ی به زنان، حمله‌ی به کودکان، حمله‌ی به بیماران، حمله‌ی به بیمارستان‌ها، این فجایعی که در بیمارستان‌ها صورت گرفته، اصلاً چیزهای عجیبی است. جوری شده است که پرورش‌یافتگان در فرهنگ غربی، در اروپا و در خود کشور آمریکا هم می‌آیند با فریاد اعتراض میکنند؛ در حالی که خیلی از خبرها هم بخوبی به آنها نمیرسد، اما همان مقداری که اطلاع دارند اعتراض میکنند. جنایت این قدر شدید است. خب، این قضیه از این جنبه خیلی مهم است.

از یک جنبه‌ی دیگر هم خیلی مهم است و آن، این است که رژیم صهیونیستی دو شکست بزرگ در این حادثه‌ی غزه متحمل شد. شکست اول شکست روز پانزدهم مهر بود - شکست طوفان‌الاقصی - که بنده همان وقت گفتم این شکست، غیر قابل ترمیم است. (۱۸) واقعاً هم همین جور است؛ تا حالا هم ترمیم نشده و ترمیم نخواهد شد. رژیم‌ی که تکیه‌اش به دقت اطلاعات، به توسعه‌ی کار نظامی و تسلط نظامی است که ادعا میکند هر پرنده‌ای پر بزند زیر چشمش است، به وسیله‌ی یک گروه مقاومت با امکانات محدود، متحمل یک شکست اطلاعاتی به این عظمت بشود! این شکست اول رژیم صهیونیستی بود. این شکست ترمیم نشده است و ترمیم هم نخواهد شد. آبروی رژیم صهیونیستی رفت.

شکست دوم، شکست این شش ماه است. اینها از اولین روزی که وارد میدان شدند برای جبران آن شکست اول، اهدافی را اعلام کردند، که هیچ کدام از آن اهداف در این شش ماه تحقق پیدا نکرده. شش ماه جنگیدن با انواع و اقسام تسلیحات و امکانات و با کمک بی‌دریغ آمریکا که هم کمک تسلیحاتی کرده، هم کمک مالی کرده، هم کمک سیاسی کرده، چند مرتبه قطعنامه‌ها را وتو کرده - این قطعنامه‌ی اخیر (۱۹) را هم که به جهاتی نتوانست وتو کند، میگویند الزام‌آور نیست! دروغ محض است و عمل هم نمیشود - با همه‌ی این کمکهای آمریکا و این توانایی‌هایی که خودشان داشتند، نتوانستند کاری بکنند؛ حتی یک هدف از اهدافی را که ذکر کرده بودند دنبالش هستند، نتوانستند به دست بیاورند. آنها میخواستند مقاومت را و به طور خاص گروه حماس را نابود کنند، منهدم کنند، زمین‌گیر کنند، و نتوانستند؛ هم حماس، هم جهاد - مجموعه‌ی مقاومت غزه - با قدرت و با توانایی این همه مشکلات را تحمل میکنند و تلاش هم دارند میکنند، ضربه [هم] میزنند.



همین که رژیم صهیونیستی به جان زن و کودک می‌افتد، به خاطر این است که از برخورد با رزمندگان مقاومت عاجز مانده؛ چون آنجا احساس عجز میکند، عصبی میشود و به جان زن و بچه‌ی مظلوم و بی‌دفاع می‌افتد و سی و چند هزار نفر را که اغلب اینها زنان و کودکان هستند، به قتل میرساند. این شکست قطعاً ادامه پیدا خواهد کرد؛ این تلاشهای مذبحانه هم، مثل این کاری که در سوریه مرتکب شدند (۲۰) - که البته سیلی‌اش را خواهند خورد - به دردشان نمیخورد و مشکیشان را علاج نمیکند. آنها به دست خودشان در یک تله‌ای افتاده‌اند، خودشان را در یک تله‌ای انداخته‌اند که امکان نجاتشان وجود ندارد و روزبه‌روز [آن] رژیم ضعیف‌تر خواهد شد و به زوال و انهدام ان‌شاءالله نزدیک‌تر خواهد شد؛ و امیدواریم جوانهای امروز ما، ببینند آن روزی را که قدس شریف در اختیار مسلمانها است و در آن نماز خواهند گزارد و دنیای اسلام بتواند ان‌شاءالله نابودی اسرائیل را جشن بگیرد.

از خداوند متعال میخواهیم که ما را برای انجام وظایف مهمّان موفق بدارد، توانا کند و بتوانیم کارهایی که بر عهده‌ی ما است انجام بدهیم. با انقلاب اسلامی، فرصت بزرگی در دنیای اسلام پیش آمده؛ تشکیل نظام مقدّس جمهوری اسلامی برای دنیای اسلام یک فرصت بزرگ را به وجود آورده؛ از این فرصت تا امروز استفاده‌های زیادی شده؛ باز هم ان‌شاءالله باید به نفع اسلام و مسلمین از این فرصت استفاده بشود و استفاده خواهد شد. نظام اسلامی روزبه‌روز ان‌شاءالله قوی‌تر خواهد شد و دشمنانش روزبه‌روز ضعیف‌تر خواهند شد؛ و محاسبات منطقه‌ای، بعد از این حادثه‌ی طوفان‌الاقصى تغییر کرده است و تغییر خواهد کرد؛ آن محاسبات [قبلی] دیگر وجود ندارد. هم تصمیمات جبهه‌ی مقاومت، هم تصمیمات جبهه‌ی مقابل ناگزیر تغییر پیدا خواهد کرد؛ کمااینکه تغییر هم پیدا کرده و وضع مقاومت در منطقه وضع دیگری شد و بیشتر از این دگرگون خواهد شد و دشمنان اسلام و دشمنان مقاومت و دشمنان جمهوری اسلامی مجبورند و ناگزیرند که به این تغییرات تن بدهند و بدانند که نمیتوانند در این منطقه بر جامعه‌ی مسلمان حکمروایی و فرمانروایی کنند.

از خداوند متعال میخواهیم که در این روزهای باقیمانده‌ی از ماه مبارک رمضان، ما را توفیق بدهد تا بتوانیم حداکثر استفاده را از فیوضات این ماه ببریم.

روز قدس امسال یک خروش بین‌المللی علیه رژیم غاصب صهیونیستی خواهد بود. یعنی اگر سالهای قبل روز قدس را فقط کشورهای اسلامی برگزار میکردند، امسال به احتمال زیاد در کشورهای غیر اسلامی هم روز قدس ان‌شاءالله با عظمت برگزار خواهد شد. امیدواریم ان‌شاءالله ملت ایران مثل همه‌ی موارد این بار هم در این روز بدرخشد؛ به حرمت محمد و آل محمد.

پروردگارا! اگر تا این لحظه ما را نیامرزیده‌ای، از این لحظه ما را بیامرز. پروردگارا! توفیق خدمت به کشور، به مردم، به نظام، به اسلام و به امت اسلامی، به همه‌ی ما عنایت بفرما. پروردگارا! ملت ایران را دشمن شاد مفرما؛ ملت ایران را به توفیقات کامل نائل بفرما. پروردگارا! روح مطهر امام بزرگوار را که این راه را باز کرد، این حرکت عظیم را در دنیا ابداء کرد، با پیغمبر و با اولیائش محشور کن. پروردگارا! ارواح طیّبه‌ی شهیدان عزیز ما را با شهدای صدر اسلام، با اولیائت، با محمد و آل محمد محشور بفرما. پروردگارا! ارواح طیّبه‌ی شهدای اخیر حادثه‌ی سوریه را با اولیائت محشور بفرما؛ قلب مقدّس ولی‌عصر (اروحنا فداه) را از ما راضی و خشنود کن؛ ما را از سربازان آن بزرگوار در همه‌ی آنات عمرمان قرار بده؛ توفیقات خود را شامل حال ما بفرما؛ عاقبت ما را، عاقبت مطلوب اسلامی قرار بده؛ عمر ما را ختم به خیر بفرما.



والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

- ۱) در ابتدای این دیدار، حجّت الاسلام والمسلمین سیدابراهیم رئیسی (رئیس جمهور) مطالبی بیان کرد.
- ۲) سوره ی قدر، بخشی از آیه ی ۳: «... از هزار ماه ارجمندتر است.»
- ۳) سوره ی فاطر، بخشی از آیه ی ۱۰: «... سخنان پاکیزه به سوی او بالا می رود ...»
- ۴) سوره ی عنکبوت، بخشی از آیه ی ۴۵: «... و قطعاً یاد خدا بالاتر است ...»
- ۵) سوره ی بقره، از آیه ی ۵۴: «... پس به درگاه آفریننده ی خود توبه کنید ...»
- ۶) از جمله، سوره ی بقره، بخشی از آیه ی ۱۶۰
- ۷) سوره ی بقره، بخشی از آیه ی ۱۶۰
- ۸) سوره ی نساء، بخشی از آیه ی ۱۴۶
- ۹) سوره ی هود، بخشی از آیه ی ۵۲: «... از پروردگارتان آمرزش بخواهید، سپس به درگاه او توبه کنید [تا] از آسمان بر شما بارش فراوان فرستد و نیرویی بر نیروی شما بیفزاید ...»
- ۱۰) قدسی مشهدی؛ سُبْحَه: تسبیح
- ۱۱) «جهش تولید با مشارکت مردم». ر.ک: بیانات به مناسبت آغاز سال جدید (۱۴۰۳/۱/۱)
- ۱۲) بازدید از نمایشگاه توانمندی های تولید داخلی در حسینیه ی امام خمینی (۱۴۰۲/۱۱/۹)
- ۱۳) ر.ک: بیانات در دیدار تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی (۱۴۰۲/۱۱/۱۰)
- ۱۴) خودنمایی، ظاهرسازی
- ۱۵) ابلاغ سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی (۱۳۸۴/۳/۱)
- ۱۶) برنامه ی پنج ساله ی هفتم توسعه ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران؛ ر.ک: ابلاغ سیاستهای کلی برنامه ی هفتم با اولویّت پیشرفت اقتصادی توأم با عدالت (۱۴۰۱/۶/۲۱)
- ۱۷) برنامه ی پنج ساله ی ششم
- ۱۸) بیانات در مراسم تحلیف و دانش آموختگی دانشجویان دانشگاه های افسری نیروهای مسلح (۱۴۰۲/۷/۱۸)
- ۱۹) قطعنامه ی آتش بس فوری در غزه، پس از نزدیک به شش ماه کشتار مردم غزه، در روز ششم فروردین ۱۴۰۳ در شورای امنیت سازمان ملل به تصویب رسید که خواستار آتش بس فوری در غزه در ماه رمضان شد تا منجر به آتش بس پایدار شود. چهارده عضو از پانزده عضو شورای امنیت به این قطعنامه رأی مثبت دادند، اما آمریکا به آن رأی ممتنع داد.
- ۲۰) در تاریخ سیزدهم فروردین ماه، جنگنده های رژیم صهیونیستی با چندین موشک به کنسولگری ایران در شهر دمشق سوریه حمله کردند که منجر به شهادت هفت نفر از مستشاران نظامی ایران (از جمله، سرتیپ محمدرضا زاهدی، سرتیپ محمدهادی حاج رحیمی، و همراهانشان) و زخمی شدن تعدادی دیگر گردید.